

دانش و پژوهش در روان‌شناسی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)  
شماره بیست و پنجم - پاییز ۱۳۸۴  
صص ۱۵۲ - ۱۳۱

## اثر بخشی تغییر نگرش، آموزش ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس بر کاهش گرایش به مواد مخدر در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان

بیژن قربانی<sup>۱</sup> - مریم فاتحی زاده<sup>۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین و بررسی اثربخشی تغییر نگرش، آموزش ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس بر کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر (تریاک و حشیش) در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان بود. جامعه مورد مطالعه کلیه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه ناحیه ۴ شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۱ بود. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای از ناحیه ۴ آموزش و پرورش انتخاب شد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه گرایش به مصرف مواد استفاده شد. ضریب پایایی پرسشنامه (آلفای کرونباخ) برابر با ۰/۹۰ محاسبه شد. روش استفاده شده در این پژوهش روش نیمه تجربی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و مقایسه گروه‌ها از تحلیل مانوا (MANOVA) همراه با تحلیل

\*- این پژوهش با حمایت مالی سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان انجام شده است.

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی

۲- استاد ناظر پژوهش، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

کوواریانس (ANCOVA) استفاده شد. براساس فرضیه‌های پژوهش نتیجه‌گیری‌های زیر به دست آمد.

- ۱- در پس‌آزمون (پس از بررسی نمره‌های پیش‌آزمون) گرایش به مواد مخدر در گروه تغییر نگرش کمتر از گروه گواه بود ( $P = 0/004$ ). ۲- در پس‌آزمون گرایش به مواد مخدر در گروه ابراز وجود کمتر از گروه گواه بود ( $P = 0$ ).
  - ۳- در پس‌آزمون گرایش به مواد مخدر در گروه ایمن‌سازی در مقابل استرس کمتر از گروه گواه بود ( $P = 0$ ). دیگر یافته‌های مرتبط با اثربخشی تغییر نگرش، آموزش ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس در پس‌آزمون و پیگیری در متن مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
- کلید واژه‌ها: مصون‌سازی روانی، اعتیاد، گرایش به مصرف، تغییر نگرش، ابراز وجود، استرس، دانش‌آموزان.

#### مقدمه

پژوهش‌های مرتبط با پیشگیری از اعتیاد در دانش‌آموزان به این نکته اشاره دارند که دانش‌آموزان از عوارض ابتلا به مواد مخدر آگاهی کمی داشته‌اند (بالدینگ به نقل از بوزانی، ۱۳۷۵ و نشان، ۱۳۷۷). با توجه به مسائل یاد شده و تأثیرات سوء مصرف مواد مخدر و توجه به این مطلب که شکل‌گیری کلی شخصیت هر فرد در دوره جوانی و نوجوانی صورت می‌گیرد، در روشهای مبارزه با مواد مخدر به جای درمان بر پیشگیری از آن تأکید شده است (آقابخشی، ۱۳۸۰). این روشها به نام روشهای مصون‌سازی معروف گردیده که شامل روشهایی برای آموزش فرد هستند تا او را در مقابل مواد مخدر واکسینه کنند، این روشها برگرفته از فرضیه مصون‌سازی می‌باشند.

فرضیه مصون‌سازی<sup>۱</sup> در مورد مطالعه نگرش‌ها مطرح می‌گردد. بنابراین فرضیه اعتقادهای اشخاص را می‌توان با استفاده از دیدگاههای متضاد ضعیف یعنی دیدگاههایی که فرد به آسانی می‌تواند رد کند، (در واقع افراد به این طریق واکسیناسیون فکری می‌شوند) تقویت کرد (پورافکاری، ۱۳۷۳). آموزش ایمن‌سازی در مقابل استرس<sup>۲</sup> یکی از روشهای مصون‌سازی است. این عنوان یک اصطلاح عام است که به الگوی درمانی مرکب از برنامه آموزشی نیمه سازمان‌یافته و حساس از نظر بالینی اطلاق

می شود. در این آموزش روشهای زیر مورد استفاده قرار می گیرد: آموزش، بحث سقراطی، بازسازی شناختی، مسأله گشایی، آموزش آرامش دهی، تمرین تصویرسازی ذهنی و رفتاری، خود بازنگری، آموزش خودفرمانی، آموزش تقویت خود و اقداماتی در جهت تغییر محیط. شیوه اجرای آموزش ایمن سازی در مقابل استرس (SIT) سه مرحله دارد؛ مفهوم سازی مشکل، اکتساب و تمرین مهارت ها و کاربرد و پیگیری مستمر. در حقیقت این آموزش افراد یا گروهها را با دفاع پیش گستر یا مجموعه ای از مهارت های مقابله ای برای مواجهه با موقعیت های پر استرس آینده آماده می سازد (مایکن بام<sup>۱</sup>، ترجمه مبینی، ۱۳۷۶). در واقع مصون سازی روانی در مقابل اعتیاد یک نوع پیشگیری اولیه است. پیشگیری از اعتیاد، یعنی به کارگیری اقداماتی که منجر به کاهش ابتلا به اعتیاد می شود و افراد را از مصرف مواد مخدر باز می دارد. انجمن ملی مبارزه با مواد مخدر در زمینه تعریف پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر معتقد است: پیشگیری فرایندی است سازنده برای بهبود پیشرفت فردی و اجتماعی به منظور رشد توانایی های کامل انسانی و از میان بردن یا کاهش نقایص عاطفی، عقلی و اجتماعی که در گرایش فرد به سوی سوء مصرف مواد مخدر مؤثر است (اسماعیل سرخ، ۱۳۸۲). بنابراین انجام هر نوع آموزشی به منظور مصون سازی روانی هم باعث افزایش مقاومت فردی و روانی افراد می گردد و هم موجب کاهش عواملی که افراد را در معرض خطر اعتیاد قرار می دهد. پژوهش های کارول (۲۰۰۰) نشان داد که روشهای خاص آموزشی تأثیر بسزایی در پیشگیری از اعتیاد دارد. براساس شیوه آموزشی کارول استفاده از شیوه های مختلف از جمله ابراز وجود می تواند موجب بالا رفتن مقاومت فردی افراد و مصون شدن آنها در مقابل اعتیاد گردد. وی شیوه های آموزش افزایش انگیزش و ابراز وجود را که هدف مشترکی دارند، برای کاهش گرایش به مواد مخدر پیشنهاد کرده و به کار برده است. براساس یافته های او این شیوه ها کارآیی دارند و موجب کاهش تمایل افراد برای مصرف مواد مخدر شده اند. همچنین پژوهش دافی و تردی<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) این روشهای درمانی را که شامل مشاوره، نمایش درمانی و گروه درمانی بود و به صورت گروهی ارائه شده بود را تأیید کرد.

در این پژوهش سعی شده است با استفاده از سه روش تغییر نگرش، ابراز وجود و روشهای مقابله با استرس میزان مقاومت دانش‌آموزان دوره متوسطه در برابر مصرف مواد مخدر افزایش یابد. به علاوه بین این روشها مقایسه‌ای انجام گرفته است. با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده مشخص شده که اعتیاد به مواد مخدر چندین علت اساسی دارد. بیشترین تماس و احتمال خطر ابتلا به اعتیاد در سنین نوجوانی روی می‌دهد. پژوهش‌های بنیاد بازآموزی سلامتی در ترکیه، بالدینگ (۲۰۰۰) (نقل از بالدینگ، ۱۹۹۹، همین و واگر، ۱۹۹۷) به این نکته اشاره داشتند که اولین تجربه‌های مصرف مواد در افراد معتاد و کسانی که احتمال گرایش به مصرف مواد بالایی داشتند، در دوران نوجوانی روی می‌دهد. همچنین پژوهش پرهیزکار (۱۳۷۹) نشان داد که بیشتر معتادان به مواد مخدر در سنین جوانی می‌باشند. از طرف دیگر اطلاع نداشتن از زبان‌های مواد مخدر نیز موجب بالا رفتن خطرپذیری گرایش به مواد مخدر می‌شود، این مورد در پژوهش‌های نشان (۱۳۷۷) و رضایی‌زاده (۱۳۷۲) نیز تأکید شده است. همچنین سایر پژوهش‌ها بر این نکته تأکید داشتند که عوامل اجتماعی نیز این گرایش به مصرف مواد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سگال (۱۹۷۶)، کریمیان مارنانی (۱۳۷۷) و رضایی‌زاده (۱۳۷۲) فشار گروهی همسالان و همکلاسی‌ها، کنار آمدن با مشکل‌ها، همراهی و همرنگی با دیگران، تجربه‌اندوزی و نشان دادن اینکه بزرگ شده‌اند را از دلایل گرایش به مواد مخدر می‌دانند. از دلایل دیگری که می‌توان نام برد بی‌اطلاعی والدین از نوجوانان و گذران اوقات آنها بود (باقری و سگال، ۱۹۷۶). بر طبق یافته‌های سگال (۱۹۷۶) به نظر می‌رسد اگر ناراحتی به وجود آمده ناشی از فشار روانی باشد می‌تواند علت پناه آوردن به اعتیاد نوجوانان باشد، شاید به همین دلیل است که ایمن‌سازی فرد در مقابل استرس می‌تواند در کاهش گرایش به مصرف مواد مؤثر باشد. کناپ و همکاران (۱۹۹۱) به این نتیجه رسیدند که بهره‌هوشی کلامی بالا و غیرکلامی پایین در آموزش هوش و کسلر با موفقیت در ترک اعتیاد رابطه‌ای مستقیم داشت. شاید به همین دلیل است که آموزش خودابرازی می‌تواند بر گرایش به مواد مخدر مؤثر باشد زیرا افراد یاد می‌گیرند که خواسته‌های خود را به صورت کلامی و منطقی بیان کنند.

در پژوهش‌هایی که کارول (۲۰۰۰)، توستی و دیگران (۱۹۹۱)، بوتوین و همکاران (۱۹۹۰)، دافی و تردی (۱۹۹۰)، وست و دیگران (۱۹۷۶)، سموعی (۱۳۸۱)

و قربانی (۱۳۸۰) انجام داده‌اند بر مؤثر بودن آموزش‌ها تأکید شده است. حتی در پژوهش بوتوین و همکاران مشخص گردیده است که آموزش‌ها تا مدت‌ها پس از آن تأثیر خود را حفظ کرده‌اند. کسانی که ۶۰ درصد از آموزش‌ها را دریافت کرده بودند، حتی تا ۶ سال بعد هم گرایش کمتری به مواد مخدر نشان دادند. همچنین در تحقیق لویز و همکاران (۱۹۷۶) با عنوان پیشگیری اولیه در برنامه آموزشی در مورد مواد مخدر برای بچه‌های مدرسه این مسأله روشن شد که آموزش نقش تعیین‌کننده‌ای برای معلمان، به‌منظور تغییر در کلاس‌های درس و دانش‌آموزان دارد. به دانش‌آموزان کلاس‌های پنجم و ششم معیارهای قبلی و بعدی خودباوری و حالت‌های ریسک‌پذیری داده شد و نتایج نشان‌دهنده کاهش تمایل آنها به مواد مخدر بود.

در این پژوهش که با توجه به هدف کلی آن صورت گرفت، در واقع پژوهشگر به دنبال یافتن راهکارهایی است که بتوان با کمک آنها و آموزش این روشها به دانش‌آموزان، آنها را در گرایش به مصرف مواد مخدر مصون نمود. به این منظور فرضیه‌های زیر طراحی شد؛ تعیین اثر بخشی شیوه آموزشی تغییر نگرش بر کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان، تعیین اثر بخشی شیوه آموزش ابراز وجود بر کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان، تعیین اثر بخشی شیوه آموزش ایمن‌سازی در مقابل استرس بر کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان و مقایسه اثر بخشی روشهای تغییر نگرش، ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس بر کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر گروههای دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان.

### هدف‌های پژوهش

هدف کلی در این پژوهش تعیین و بررسی اثر بخشی تغییر نگرش، آموزش، ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس بر کاهش گرایش به مواد مخدر (تریاک و حشیش) در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان بود.

### هدف‌های ویژه

- تعیین اثر بخشی شیوه آموزشی تغییر نگرش، ابراز وجود، ایمن‌سازی در مقابل استرس بر کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان
- مقایسه اثر بخشی این روشها بر گروههای دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- میزان گرایش به مصرف مواد مخدر بین دانش‌آموزان دوره متوسطه که آموزش تغییر نگرش می‌بینند، کمتر از گروه گواه است.
- ۲- میزان گرایش به مصرف مواد مخدر بین دانش‌آموزان دوره متوسطه که آموزش ابراز وجود می‌بینند، کمتر از گروه گواه است.
- ۳- میزان گرایش به مصرف مواد مخدر بین دانش‌آموزان دوره متوسطه که آموزش ایمن‌سازی در مقابل استرس می‌بینند، کمتر از گروه گواه است.
- ۴- میزان گرایش به مصرف مواد مخدر بین گروه‌های دانش‌آموزانی که آموزش‌های مختلف تغییر نگرش، ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس می‌بینند، متفاوت است.

### روش

روش این پژوهش نیمه تجربی است. نمونه انتخاب شده به شکل تصادفی در گروه گواه و گروه‌های آزمایش قرار گرفتند. متغیرهای مستقل (آموزش تغییر نگرش و ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس) در مورد گروه‌های آزمایش اعمال گردیدند. طرح پژوهش پیش‌آزمون - پس‌آزمون با چهار گروه بود. در مرحله اول پس از انتخاب نمونه‌های مورد نظر، از همه افراد گروه‌ها یک پیش‌آزمون گرفته شد، سپس دانش‌آموزان مدارس به صورت تصادفی در گروه گواه و گروه‌های آزمایشی قرار گرفتند. در مرحله دوم متغیر مستقل در مورد گروه‌ها اعمال شد. در مرحله سوم با پایان جلسه‌های آموزشی از تمامی آزمودنی‌ها در گروه گواه و گروه‌های آزمایشی پس‌آزمون گرفته شد و بعد از گذشت یک ماه تمامی آزمودنی‌ها در گروه گواه و گروه‌های آزمایشی مورد پیگیری قرار گرفتند. نتایج حاصل از پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری به دست آمده (نمره‌های به دست آمده از پرسشنامه گرایش به مصرف مواد مخدر) در گروه گواه و گروه‌های آزمایشی مورد تحلیل آماری قرار گرفت و گروه‌ها با هم مورد مقایسه شدند. نحوه اجرای پژوهش در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱- نحوه اجرای پژوهش

گروهها	پیش آزمون	متغیر مستقل	تعداد جلسه ها	پس آزمون	پیگیری
گروه گواه	T	-	-	T'	T''
گروه آزمایشی ۱	T	X	۹	T'	T''
گروه آزمایشی ۲	T	y	۷	T'	T''
گروه آزمایشی ۳	T	Z	۹	T'	T''

جامعه آماری مورد مطالعه کلیه دانش آموزان پسر دوره متوسطه ناحیه ۴ شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۸۲ - ۱۳۸۱ بود. نمونه از ناحیه ۴ آموزش و پرورش انتخاب شد. روش نمونه گیری به صورت تصادفی چند مرحله ای بود که از بین مدارس پسرانه موجود در ناحیه چهار، ۴ مدرسه انتخاب و نمونه آماری از میان دانش آموزان به شکل تصادفی انتخاب گردید. در هر مدرسه ۵ نفر از هر کلاس از ۳ پایه اول، دوم و سوم انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری، بیان ویژگیهای روایی و پایایی: به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه استفاده شد، زیرا به کمک پرسشنامه امکان تجزیه و تحلیل عینی و کارآمد نتایج امکان پذیر است. این پرسشنامه که قربانی (۱۳۸۰) پرسشنامه گرایش به مصرف مواد نامگذاری کرد، ۳۰ سؤال دارد و میزان گرایش به مصرف مواد را می سنجد. سؤالهای پرسشنامه شامل ۳ رتبه بود که به هر سؤال نمره ۱ تا ۳ داده می شد. نمره بالا در هر کدام از سؤالها نشان دهنده گرایش به مصرف مواد می باشد. برای تعیین روایی<sup>۱</sup> پرسشنامه گرایش به مصرف مواد، از روایی محتوا<sup>۲</sup> استفاده شد. پایایی<sup>۳</sup> پرسشنامه در مطالعه مقدماتی<sup>۴</sup> بر روی تعدادی از دانش آموزان اجرا و ضریب پایایی آن مجدداً محاسبه شد. ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۰ به دست آمد که بسیار مناسب بود.

1- Validity

2- Content Validity

3- Reliability

4- Pilot Study

روش تحلیل داده‌ها: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مانوا<sup>۱</sup> (MANOVA) همراه با تحلیل کوواریانس<sup>۲</sup> (ANCOVA) برای مقایسه گروهها استفاده گردید. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس که بهترین نوع تحلیل آماری به شمار می‌رود، استفاده شد. در این روش میانگین‌های پس‌آزمون پس از تعدیل کردن نمره‌های پیش‌آزمون مقایسه شدند (دلور ۱۳۷۴). این روش اجازه می‌دهد چند گروه آزمایش و گواه با یکدیگر مقایسه شوند و معمولاً به هم‌تاسازی آزمودنی‌ها که به همین منظور انجام می‌گیرد برتری دارد و با توجه به اینکه انتخاب به صورت تصادفی است، مناسب‌ترین روش محسوب می‌شود. برای مهار متغیرهای مزاحم و جلوگیری از تداخل آنها در نتیجه پژوهش در این روش آماری با تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون تحلیل کوواریانس بسیار مناسب است.

### نتایج پژوهش

فرضیه اول: میزان گرایش به مصرف مواد در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه که آموزش تغییر نگرش می‌بینند، کمتر از گروه گواه است.

جدول ۲- تحلیل کوواریانس مربوط به مقایسه میانگین نمره‌های پس‌آزمون

پس از بررسی نمره‌های پیش‌آزمون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	معناداری	ضریب اتا
گروهها	۷۱۷/۱۹	۳	۲۳۹/۰۶	۹/۸۶	*** ۰/۰۰۰	۰/۳۵
خطا	۱۳۳۳	۵۵	۲۴/۲۴			
کل	۱۳۴۴۲۸					

\*\*\* P = ۰/۰۰۰



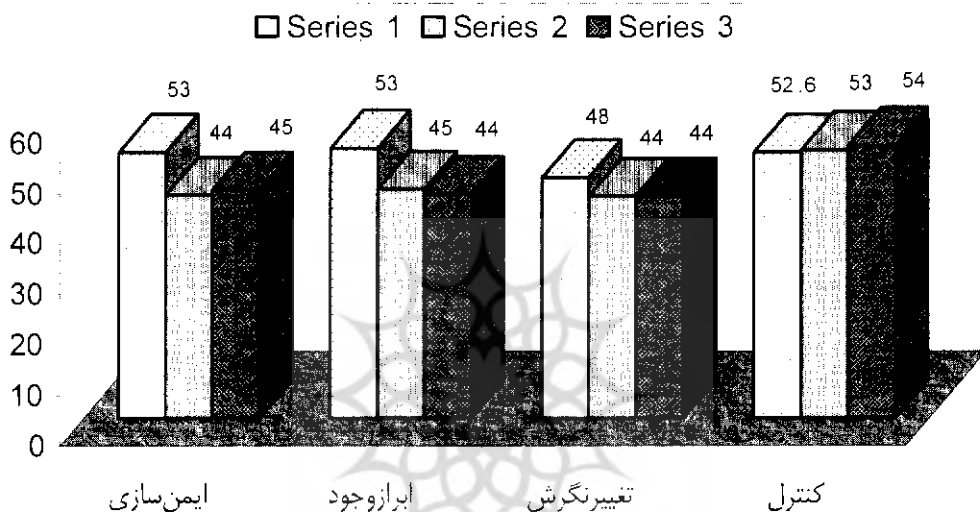
با توجه به نتایج جدولهای ۲ و ۳ و نمودار ۱ ملاحظه می شود که در پس آزمون گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه تغییر نگرش (۴۶/۷۵) به طور معناداری کمتر از گروه گواه (۵۷/۲۷) بوده است ( $P = ۰/۰۰۴$ ). همچنین نتایج مقایسه ای زوجی نشان داد که در آزمون پیگیری (پس از بررسی نمره های پیش آزمون) گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه تغییر نگرش به طور معناداری کمتر از گروه گواه نبوده است ( $P = ۰/۰۰۶$ ). بنابراین فرضیه اول در آزمون پیگیری تأیید نمی شود.

فرضیه دوم: میزان گرایش به مصرف مواد مخدر بین دانش آموزان دوره متوسطه که آموزش ابراز وجود می بینند، کمتر از گروه گواه است.

فرضیه سوم: میزان گرایش به مصرف مواد مخدر بین دانش آموزان دوره متوسطه که آموزش ایمن سازی در مقابل استرس می بینند کمتر از گروه گواه است.

جدول ۳- مقایسه های زوجی میانگین نمره های پس آزمون گرایش به مصرف مواد مخدر دانش آموزان

گروهها	تفاوت میانگینها	خطای استاندارد	معناداری
تغییر نگرش	ابراز وجود	۲/۶۷	۱/۸۶
۴۶/۷۵	ایمن سازی در مقابل استرس	۳/۲۱	۱/۸۴
۰/۰۰۴***	گواه	-۵/۵۱	۱/۸۵
ابراز وجود	تغییر نگرش	-۲/۶۷	۱/۸۶
۴۴/۰۸	ایمن سازی در مقابل استرس	۰/۵۳	۱/۸
۰/۰۰۰***	گواه	-۸/۱۸	۱/۷۹
ایمن سازی در مقابل استرس	تغییر نگرش	-۳/۲۱	۱/۸۴
۴۳/۵۴	ابراز وجود	-۰/۵۳	۱/۸
۰/۰۰۰***	گواه	-۸/۷۲	۱/۷۹
گواه	تغییر نگرش	۵/۵۱	۱/۸۵
۵۲/۲۷	ابراز وجود	۸/۱۸	۱/۷۹
۰/۰۰۰***	ایمن سازی در مقابل استرس	۸/۷۲	۱/۷۹



نمودار ۱- مقایسه‌های زوجی میانگین نمره‌های پس‌آزمون گرایش  
به مصرف مواد مخدر دانش‌آموزان

با توجه به نتایج پس‌آزمون در جدول ۳ و نمودار ۱ ملاحظه می‌شود که گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه ابراز وجود به‌طور معناداری کمتر از گروه گواه بوده است ( $P = 0$ ,  $X = 44/08$ ). همچنین در آزمون پیگیری (پس از بررسی نمره‌های پیش‌آزمون) نیز میانگین نمره‌های گروه ابراز وجود به‌طور معناداری کمتر از گروه گواه بوده است ( $P = 0/002$ )، بنابراین فرضیه دوم در پس‌آزمون و آزمون پیگیری تأیید می‌گردد.

همچنین با توجه به نتایج جدول ۳ و نمودار ۱ ملاحظه می‌شود که گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه ایمن‌سازی در مقابل استرس به‌طور معناداری کمتر از گروه گواه بوده است ( $P = 0$ ,  $X = 43/54$ ). همچنین نتایج مقایسه‌ای زوجی نشان داد که در آزمون پیگیری (پس از بررسی نمره‌های پیش‌آزمون) گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه ایمن‌سازی در مقابل استرس به‌طور معناداری کمتر از گروه گواه بوده است ( $P = 0/008$ )، بنابراین فرضیه سوم در پس‌آزمون و آزمون پیگیری تأیید می‌گردد.

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری و مقایسه گرایش به مصرف در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

میزان تأثیر	ارزش	ضریب F	درجه آزادی	معناداری	ضریب اتا
شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد	۰/۵۴	۳۳/۱	۲	۰/۰۰۰***	۰/۵۴
گرایش به مواد مخدر در گروهها	۰/۴۵	۵/۴۲	۶	۰/۰۰۰***	۰/۹۹

$P < ۰/۰۰۱$ \*\*\* و  $P < ۰/۰۱$ \*\*

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که تأثیر شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد بر گرایش به مصرف مواد مخدر معنادار بوده است ( $P = ۰/۰۰۰$ ). یعنی به‌طور کلی تفاوت بین نمره‌های گرایش به مصرف مواد مخدر در سه بار آزمون معنادار بوده است. میزان این تفاوت ۵۴ درصد واریانس مربوط به گرایش آزمودنی‌ها به مصرف مواد مخدر بوده است، به کلامی دیگر این تفاوت ناشی از تفاوت گروه‌های دانش‌آموزی است، که شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد به آنها ارائه شده است. همچنین نتایج بیانگر آن است که تعامل بین شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد ارائه شده و عضویت گروهی نیز معنادار بوده است ( $P = ۰$ ). یعنی اینکه بین آزمون‌ها در هر گروه به‌طور جداگانه تفاوت‌های معناداری مشاهده شده است. نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری درباره مقایسه گروهها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری درباره مقایسه گروهها

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	ضریب F	معناداری	ضریب اتا
گروهها	۱۵۷۳/۹۱	۳	۵۲۴/۶۳	۳/۶۱	۰/۰۱***	۰/۱۶
خطا	۸۱۳۸/۶۲	۵۶	۱۴۵/۳۳			

$P < ۰/۰۱$ \*\*\*

با توجه به جدول ۵ ملاحظه می‌شود که شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد تأثیر معناداری بر گرایش به مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان داشته است ( $P = ۰/۰۱$ ).

فرضیه چهارم: میزان گرایش به مصرف مواد مخدر بین دانش‌آموزانی که آموزش‌های مختلف تغییر نگرش، ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس می‌بینند، متفاوت است.

جدول ۶- نتایج مقایسه‌های زوجی میانگین نمره‌های آزمون پیگیری گرایش به مصرف مواد مخدر دانش‌آموزان

معناداری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	گروهها	
۰/۰۹	۱/۲۲	۲/۰۶	ابراز وجود	تغییر نگرش
۰/۲۴	۱/۲۲	۱/۴۳	ایمن‌سازی در مقابل استرس	۴۷/۲۶
۰/۰۶	۱/۲۸	-۲/۳۸	گواه	
۰/۰۹	۱/۲۲	-۲/۰۶	تغییر نگرش	ابراز وجود
۰/۵۸	۱/۱۶	-۰/۶۳	ایمن‌سازی در مقابل استرس	۴۵/۱۹
۰/۰۰۲***	۱/۳۶	-۴/۴۵	گواه	
۰/۲۴	۱/۲۲	-۱/۴۳	تغییر نگرش	ایمن‌سازی در مقابل استرس
۰/۵۸	۱/۱۶	۰/۶۳	ابراز وجود	۴۵/۸۳
۰/۰۰۸***	۱/۳۸	-۳/۸۱	گواه	
۰/۰۶	۱/۲۸	۲/۳۸	تغییر نگرش	گواه
۰/۰۰۲***	۱/۳۶	۴/۴۵	ابراز وجود	۴۹/۶۴
۰/۰۰۸***	۱/۳۸	۳/۸۱	ایمن‌سازی در مقابل استرس	

$P < 0/01^{***}$

با توجه به نتایج جدول ۳ و نمودار ۱ و نمودار ۱ در پس‌آزمون و همچنین جدول ۶ و نمودار ۱ در پیگیری ملاحظه می‌شود، گرایش به مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزانی که آموزش‌های مختلف تغییر نگرش، ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس می‌بینند، تفاوت معناداری ندارد.

نتایج فرضیه چهارم مطابق آنچه در پس‌آزمون ملاحظه می‌شود عبارت‌اند از: الف- گرایش به مصرف مواد مخدر بین گروه تغییر نگرش و گروه ابراز وجود تفاوت معناداری را نشان نداده است ( $P = 0/15$ )، همچنین در آزمون پیگیری نیز تفاوت

معناداری نبوده است ( $P = 0/9$ ). ب- گرایش به مصرف مواد مخدر بین گروه تغییر نگرش و گروه ایمن سازی در مقابل استرس تفاوت معناداری را نشان نداده است ( $P = 0/08$ )، همچنین در آزمون پیگیری نیز تفاوت معنادار نبوده است ( $P = 0/24$ ). پ- گرایش به مصرف مواد مخدر بین گروه ابراز وجود و گروه ایمن سازی در مقابل استرس تفاوت معناداری را نشان نداده است ( $P = 0/76$ )، همچنین در آزمون پیگیری نیز تفاوت معنادار نبوده است ( $P = 0/58$ ). بنابراین فرضیه چهارم در پس آزمون و آزمون پیگیری تأیید نمی شود، یعنی تفاوتی در میزان تأثیر شیوه های ایمن سازی روانی مورد استفاده در این پژوهش بر میزان گرایش به مواد مخدر وجود نداشته است.

جدول ۷- نتایج فرضیه های پژوهش

فرضیه ها	معناداری در پس آزمون	نتیجه در پس آزمون	معناداری در پیگیری	نتیجه در پیگیری
فرضیه اول	0/004	تأیید	0/06	عدم تأیید
فرضیه دوم	0/002	تأیید	0/002	تأیید
فرضیه سوم	0	تأیید	0/008	تأیید
فرضیه چهارم	0/76, 0/8, 0/15	عدم تأیید	0/58, 0/24, 0/9	عدم تأیید

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج جدول ۳ و نمودار ۱ گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه تغییر نگرش (۴۶/۷۵) به طور معناداری ( $P = 0/004$ ) کمتر از گروه گواه (۵۷/۲۷) بوده است. بنابراین فرضیه اول تأیید می شود.

نتایج حاصل از این پژوهش همسو با یافته های بوتوین و همکاران (۱۹۹۰)، دافی و تردی (۱۹۹۰)، لویز و همکاران (۱۹۷۶) سموعی (۱۳۸۱) و قربانی (۱۳۸۰) و مغایر با نتایج توستی و همکاران (۱۹۹۱) بوده است. در تمامی این پژوهش ها، از روشهای تغییر نگرش استفاده شده است. در واقع نتایج پژوهش های مختلف نشان داد که روش آموزشی تغییر نگرش در کاهش گرایش به مواد مخدر مؤثر بوده است. فقط پژوهش توستی و همکاران (۱۹۹۱) نتایج مغایر با این یافته ها را داشته است.

به نظر می‌رسد که آموزش تغییر نگرش بر میزان گرایش به مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان مؤثر باشد، چنانکه در پژوهش‌های بالدینگ ۲۰۰۰، به نقل از بالدینگ (۱۹۹۹) و بنیاد بازآموزی سلامتی ترکیه و همچنین آقابخشی (۱۳۷۹)، پرهیزکار (۱۳۷۹)، صرامی (۱۳۷۹)، رضایی‌زاده (۱۳۷۲) و امیرپور (۱۳۷۶) مشخص شده است که دانش‌آموزان از نظر شناخت مواد مخدر دچار نوعی نگرش غلط نسبت به مواد مخدر هستند. در این نتایج مشخص شده است که نگرش اشتباه و حتی آشنایی زود هنگام که به وسیله محیط آلوده انجام می‌پذیرد، تأثیر چشمگیری در گرایش افراد به مواد مخدر دارد. از طرف دیگر در پژوهش نشان (۱۳۷۷) مشخص شد که آگاهی نداشتن از مواد مخدر نیز می‌تواند تأثیر زیادی در گرایش به مواد مخدر داشته باشد.

همچنین در پژوهش وست و دیگران (۱۹۷۹) مشخص گردیده است که آگاهی نداشتن دانش‌آموزان از خدمات اطلاع‌رسانی میزان گرایش به مصرف مواد مخدر را افزایش می‌دهد. احتمال دارد که دانش‌آموزان به علت نگرش غلط به مواد مخدر روی بیاورند و این نگرش می‌تواند در ابتدای کار چنانکه در پژوهش‌های بالا مشاهده می‌شود از طریق دوستان یا افراد فامیل باشد، همچنین احتمال اینکه دانش‌آموزان تحت عامل ناآگاهی و نبود نگرش مناسب نسبت به مواد مخدر اقدام به استعمال مواد کنند، زیاد است. پس می‌توان گفت که آموزش تغییر نگرش با دادن اطلاعات صحیح و شناخت درست از زیان‌های مواد مخدر در میزان گرایش افراد تأثیرگذار است.

علت تفاوت بین یافته‌های این پژوهش با نتایج توستی و همکاران ممکن است ناشی از عوامل فرهنگی و اجتماعی باشد، چون پژوهش توستی و همکاران در محیط فرهنگی متفاوتی انجام گرفته است. دلیل دیگر ممکن است ناشی از روشهای آموزشی باشد، به طوری که در روش توستی و دیگران آموزشی ترکیبی بود که تأکید بر آموزش خانواده داشت، در حالی که در این پژوهش آموزش به صورت مستقیم بر روی دانش‌آموزان انجام گرفته است. البته در نتایج توستی به این مطلب اشاره شده است که بیشترین تأثیر برنامه آموزشی در رابطه با مشکل‌های مدرسه‌ای دانش‌آموزان بوده است و شاید گروه مورد مطالعه در پژوهش توستی انتخابی بوده است نه تصادفی.

برای بررسی تأثیر آموزش تغییر نگرش، آزمون پیگیری انجام شد. نتایج جدول ۶ نشان‌دهنده آن است که در آزمون پیگیری هنوز هم به طور معناداری نمره‌های گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه تغییر نگرش، در حد معناداری ( $P = 0/06$ ) تأیید شده

است. اگر چه این تفاوت مقداری کاهش یافته است ولی همچنان تأثیر خود را در حد نزدیک به معنادار حفظ کرده است. با توجه به اینکه آزمون پیگیری در حدود یک ماه پس از آخرین جلسه آموزشی اجرا شده است می توان این گونه استنباط کرد که آموزش گروهی تغییر نگرش پس از آموزش مقداری افت دارد و چنانچه با جلسه های پیگیری همراه باشد احتمال دارد تأثیر خود را حفظ نماید.

با توجه به نتایج جدول ۳ و نمودار ۱ ملاحظه می شود که گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه ابراز وجود به طور معناداری کمتر از گروه گواه بوده است ( $P=0, X=44/08$ ). بنابراین فرضیه دوم تأیید می گردد. نتایج این پژوهش با توجه به پژوهش های کارول (۲۰۰۰)، بوتوین و همکاران (۱۹۹۰)، دافی و تردی (۱۹۹۰) همچنین نتایج سموعی (۱۳۸۱) و قربانی (۱۳۸۰) تأیید شده است. لازم به ذکر است که هیچ کدام از پژوهش های موجود نتایجی مخالف نتایج این پژوهش را نداشته است.

با توجه به نتایج پژوهش و یافته های سایر پژوهش ها به نظر می رسد که آموزش ابراز وجود بر روی گرایش به مصرف مواد در دانش آموزان تأثیر مثبت داشته یعنی موجب کاهش گرایش آنها به مصرف مواد مخدر شده است. نتایج موجود نشان می دهد که جلسه های آموزش گروهی ابراز وجود بر کاهش گرایش به مواد مخدر مؤثر بوده است. در سایر پژوهش ها نیز می توان به رابطه بین ابراز وجود و گرایش به مصرف مواد مخدر بسی برد، چنانکه در پژوهش لویز و همکاران (۱۹۷۶) مشاهده می شود دانش آموزان خودباور خطرپذیری کمتری نسبت به مواد مخدر نشان می دهند. امکان دارد اعمال آموزش مهارت های خودابرازی به نوعی موجب افزایش اعتماد به نفس و خودباوری گردد و در نتیجه کاهش تمایل و گرایش به مصرف مواد را به همراه داشته باشد. به طور معمول افراد دارای اعتماد به نفس بالا کمتر اقدام به مصرف مواد مخدر می کنند. در پژوهش سگال (۱۹۷۶) به این مطلب اشاره شده است که نوجوانان برای اثبات خودباوری و هویت اقدام به مصرف مواد مخدر می کردند. یعنی عدم مهارت های خودابرازی می تواند منجر به جبران ضعف خودباوری و افزایش اعتماد به نفس و خودباوری شده باشد. البته باید به این نکته هم توجه داشت که نوجوانان بیشتر تحت تأثیر افراد خانواده و حمایت خانواده اعتماد به نفس مناسب دارند و چنانچه این حمایت به طور بسنده انجام نپذیرد، احتمال گرایش نوجوان به مواد مخدر افزایش می یابد. در پژوهش آقابخشی (۱۳۸۰) به این نکته اشاره شده است که نوجوانانی که در

خانواده‌هایی زندگی می‌کردند که انسجام لازم را نداشتند، میزان خطرپذیری بالایی در گرایش به مواد مخدر داشتند. شاید یکی از دلایل آن نداشتن مهارت‌های مناسب خودابرازی در این نوجوانان باشد، که موجب می‌شود فرد برای جبران ضعف خود در مهارت‌های رفتاری و قاطع اقدام به مصرف مواد کند. از طرف دیگر پژوهش کناپ و همکاران (۱۹۹۱) نشان داد که مهارت‌های کلامی بالا می‌تواند نقش مؤثری در ترک موفق اعتیاد داشته باشد. شاید این یکی از مهارت‌هایی است که با آموزش ابراز وجود رشد پیدا می‌کند و چنانچه افراد آموزش مهارت‌های کلامی را ببینند کمتر گرایش به مواد مخدر پیدا کنند.

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که در آزمون پیگیری هنوز هم به‌طور معناداری نمره‌های گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه‌های ابراز وجود ( $X = ۴۵/۱۹$ )، ( $P = ۰/۰۰۲$ ) وجود دارد، بنابراین ثبات شیوه‌های مصون‌سازی روانی در مقابل اعتیاد در درازمدت، باقی مانده و شیوه‌های ابراز وجود مورد تأیید قرار گرفته است ( $P = ۰/۰۰۲$ ). از آنجایی که آزمون‌های گروه‌های مختلف سه دوره (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) مورد آزمون قرار گرفته‌اند، تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری شیوه دیگری است که می‌توان تغییر گرایش به مواد مخدر طی سه دوره آزمون را با آن سنجش نمود. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری<sup>۱</sup> درباره مقایسه نمره‌های گرایش به مواد مخدر در دانش‌آموزان در سه دوره آزمون پیاپی (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) در جدول‌های ۶ و ۷ ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۳ و نمودار ۱ ملاحظه می‌شود گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه ایمن‌سازی در مقابل استرس به‌طور معناداری کمتر از گروه گواه بوده است ( $P = ۰$ ،  $X = ۴۳/۵۴$ ). بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌شود. یافته‌های این پژوهش را پژوهش‌های بوتوین و همکاران (۱۹۹۰) و سموعی (۱۳۸۱) تأیید کرده‌اند و هیچ‌کدام از یافته‌های پژوهش‌های موجود نتایج پژوهش حاضر را رد نکرده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود روش ایمن‌سازی در مقابل استرس می‌تواند تا حد زیادی گرایش به مواد مخدر را کاهش دهد. چنانکه در پژوهش رضایی‌زاده (۱۳۷۲) عنوان شد، ۳۰/۴ درصد افراد فشارهای مختلف اجتماعی و اقتصادی را عامل اصلی



گرایش به اعتیاد دانسته‌اند. بنابراین با استفاده از روشهای کاهش استرس می‌توان تا حد زیادی گرایش به مصرف مواد مخدر را کاهش داد، این مسأله در یافته‌های این پژوهش نیز تأیید شده است. همچنین در پژوهش آقابخشی (۱۳۸۰) به این نکته اشاره شده است که از هم‌پاشیدگی خانواده می‌تواند زمینه‌ساز بروز اعتیاد فرزندان باشد. شاید یکی از نتایج بارز از هم‌پاشیدگی خانواده ایجاد استرس برای افراد خانواده و نوجوانان باشد، زیرا به‌ویژه در سن جوانی که دوره شکل‌گیری شخصیت و هویت‌یابی است تحمل استرس دشوار است و مصرف مواد مخدر در این دوره به دلیل حالت تخدیرکنندگی می‌تواند راهی برای مقابله با این استرس‌ها باشد.

در پژوهش سگال (۱۹۷۶) به این مطلب اشاره شده است که یکی از انگیزه‌های مصرف مواد مخدر می‌تواند ناشی از فشار گروه همسالان باشد. یعنی اینکه گروه همسالان با ایجاد فشار در دانش‌آموزان می‌توانند موجب شوند وی گرایش به هم‌رنگی با آنان و مصرف مواد مخدر داشته باشد. روش مصون‌سازی در مقابل استرس می‌تواند فشارهای ناشی از شرایط محیطی از جمله فشار گروهی را کاهش دهد و در نتیجه میزان گرایش به مواد مخدر را کاهش دهد.

با توجه به پژوهش‌های کارول (۲۰۰۰)، بالدینگ (۱۹۹۹)، انسیتو ملی سوء مصرف مواد مخدر آمریکا، همین و ادگر (۱۹۹۷)، کناپ و همکاران (۱۹۷۶)، بوتوین و همکاران (۱۹۹۰)، لوپز و همکاران (۱۹۹۰)، سگال (۱۹۷۶) و بنیاد سلامتی و بازآموزی ترکیه و همچنین سموعی (۱۳۸۱)، آقابخشی (۱۳۸۰)، صرامی (۱۳۷۹)، رضایی‌زاده (۱۳۸۲)، کریمیان مارنانی (۱۳۷۷)، امیرپور (۱۳۷۶) و باقری مشخص شده است که گرایش به مواد مخدر بیشتر در دوره نوجوانی روی می‌دهد و این دوران به علت شرایط خاص فیزیولوژیکی، روانی و اجتماعی دورانی است که میزان استرس دریافتی زیاد است و احتمالاً به همین دلیل میزان گرایش به مصرف مواد مخدر در این دوران افزایش می‌یابد و در نتیجه استفاده از آموزش مصون‌سازی در مقابل استرس می‌تواند استرس‌های این دوره را که منجر به تمایل به مصرف مواد می‌شود، کاهش دهد.

نتایج جدولهای ۶ و ۷ نشان می‌دهد که در آزمون پیگیری به‌طور معناداری نمره‌های گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه‌های ابراز وجود ( $X = 45/19$ )،  $P = 0/002$ ، ایمن‌سازی در مقابل استرس ( $X = 45/83$ )،  $P = 0/008$  پایین‌تر از گروه گواه مانده‌اند. اما گروه تغییر نگرش تفاوت پیشین را از دست داده است، هر چند هنوز

تفاوت وجود دارد و نزدیک به معناداری مانده است ( $P = 0/06$  و  $\alpha = 0/94$ ). بنابراین ثبات شیوه‌های مصون‌سازی روانی در مقابل اعتیاد در درازمدت، باقی مانده است. شیوه‌های ابراز وجود ( $P = 0/002$ ) و ایمن‌سازی در مقابل استرس ( $P = 0/008$ ) به‌طور کامل و شیوه تغییر نگرش، در حد معناداری ( $P = 0/06$ ) مورد تأیید قرار گرفته است.

از آنجایی که آزمودنی‌های گروه‌های مختلف طی سه دوره (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) مورد آزمون قرار گرفته‌اند، تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری شیوه دیگری است که می‌توان تغییر گرایش به مواد مخدر را طی سه دوره آزمون با آن سنجش کرد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که تأثیر شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد بر گرایش به مواد مخدر معنادار بوده است ( $P = 0$ )، یعنی به‌طور کلی تفاوت بین نمره‌های گرایش به مواد مخدر در سه بار آزمون معنادار بوده است. میزان این تفاوتها ۵۴ درصد واریانس مربوط به گرایش آزمودنی‌ها به مصرف مواد مخدر بوده است، به کلامی دیگر این تفاوت ناشی از تفاوت گروه‌های دانش‌آموزی است که شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد به آنها ارائه شده است.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که برهمکنش بین شیوه‌های ایمن‌سازی روانی ارائه شده در مقابل اعتیاد و عضویت گروهی نیز معنادار بوده است ( $P = 0$ ). یعنی اینکه بین آزمون‌ها در هر گروه به‌طور جداگانه تفاوت‌های معناداری مشاهده شده است.

با توجه به نتایج جدول ۳ و نمودار ۱ ملاحظه می‌شود که گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه‌های دانش‌آموزانی که آموزش‌های مختلف تغییر نگرش، ابراز وجود و ایمن‌سازی در مقابل استرس می‌بینند، تفاوت معناداری ندارد. نتایج فرضیه چهارم در زیر مشاهده می‌شود: الف - گرایش به مصرف مواد مخدر بین گروه تغییر نگرش و گروه ابراز وجود تفاوت معناداری را نشان نداده است ( $P = 0/15$ ). ب - گرایش به مصرف مواد مخدر بین گروه تغییر نگرش و گروه ایمن‌سازی در مقابل استرس تفاوت معناداری را نشان نداده است ( $P = 0/08$ ). پ - گرایش به مصرف مواد مخدر بین گروه ابراز وجود و گروه ایمن‌سازی در مقابل استرس تفاوت معناداری را نشان نداده است ( $P = 0/76$ ). بنابراین فرضیه چهارم تأیید نمی‌گردد، یعنی در میزان تأثیر شیوه‌های ایمن‌سازی روانی مورد استفاده در این پژوهش بر میزان گرایش به مواد مخدر تفاوتی وجود نداشته است. این نتایج با نتایج پژوهش قربانی (۱۳۸۰) هماهنگ است. به احتمال زیاد نتایج به‌دست آمده از این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آموزش‌های گروهی در کاهش گرایش به

مصرف مواد مخدر مؤثر است. اما تفاوت بین آنها از نظر میزان تأثیر هر کدام اگر چه قابل مشاهده است، ولی معنادار نیست. پیل (۲۰۰۱) اعلام می‌دارد که درمان وابسته به تغییر نگرش است نه برنامه‌های روان‌درمانی؛ وی موفق‌ترین برنامه را مهارت‌های پایه‌ای مانند بهداشت فردی، هنجارآموزی، کارآموزی و سایر روشها می‌داند. او عنوان می‌کند که طبق پژوهش‌ها آموزش مهارت‌های کسب شده در مهارت‌های درمانی پس از دو سال هنوز هم مؤثر بوده و عود مجدد در افرادی که از این آموزش‌ها برخوردار بودند صورت نگرفته است. این نتایج با نتایج پژوهش قربانی (۱۳۸۰) هماهنگ است.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که در آزمون پیگیری به‌طور معناداری نمره‌های گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه‌های ابراز وجود ( $X = 45/19$ ,  $P = 0/002$ ) و ایمن‌سازی در مقابل استرس ( $X = 45/83$ ,  $P = 0/008$ ) پایین‌تر از گروه گواه مانده‌اند. اما گروه تغییر نگرش تفاوت پیشین را از دست داده است، هر چند تفاوت وجود دارد و نزدیک به معناداری مانده است ( $P = 0/06$  و  $\alpha = 0/94$ ). بنابراین ثبات شیوه‌های مصون‌سازی روانی در مقابل اعتیاد در درازمدت باقی مانده است، شیوه‌های ابراز وجود ( $P = 0/002$ ) و ایمن‌سازی در مقابل استرس ( $P = 0/008$ ) به‌طور کامل و شیوه تغییر نگرش، در حد معناداری ( $P = 0/06$ ) مورد تأیید قرار گرفته است.

از آنجا که آزمودنی‌های گروه‌های مختلف طی سه دوره (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) مورد آزمون قرار گرفته‌اند، تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری شیوه دیگری است که می‌توان تغییر گرایش به مواد مخدر طی سه دوره آزمون را با آن سنجش کرد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که تأثیر شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد بر گرایش به مواد مخدر معنادار بوده است ( $P = 0$ )، یعنی به‌طور کلی تفاوت بین نمره‌های گرایش به مواد مخدر در سه بازآزمون معنادار بوده است. میزان این تفاوتها ۵۴ درصد واریانس مربوط به گرایش آزمودنی‌ها به مصرف مواد مخدر بوده است، به کلامی دیگر این تفاوت ناشی از تفاوت گروه‌های دانش‌آموزی است که شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد به آنها ارائه شده است. همچنین نتایج نشان داد که برهمکنش بین شیوه‌های ایمن‌سازی روانی در مقابل اعتیاد ارائه شده و عضویت گروهی نیز معنادار بوده است ( $P = 0$ ). یعنی اینکه بین آزمون‌ها در هر گروه به‌طور جداگانه تفاوت‌های معناداری مشاهده شده است.

## پیشنهادها

- ۱- براساس یافته‌های پژوهش مبنی بر تأثیر روشهای مصون‌سازی روانی بر کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر می‌توان با یک برنامه آموزشی از این روشها به‌منظور کاهش گرایش دانش‌آموزان به مواد مخدر استفاده کرد.
- ۲- با توجه به برنامه‌های آموزشی مورد اجرا در این پژوهش می‌توان با استفاده از مطالب مورد استفاده در هر بسته آموزشی یک برنامه ترکیبی جدید طراحی نمود و به‌عنوان یک طرح آزمایشی برای پیشگیری اولیه از اعتیاد اجرا نمود.
- ۳- با توجه به مؤثر بودن روش آموزشی ابراز وجود بر کاهش گرایش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر، طراحی برنامه‌های آموزشی برای توجیه معلمان به‌منظور جرأت‌آموزی و روشهایی که منجر به تقویت این رفتار در دانش‌آموزان شود ضروری به نظر می‌رسد.
- ۴- با توجه به مؤثر بودن روش مقابله با استرس و اینکه دانش‌آموزان دبیرستانی در دوره بحرانی به‌سر می‌برند و استرس‌های زیادی را به علت شرایط سنی خاص دریافت می‌کنند، دادن آگاهی و روشهای رفتاری مناسب به والدین و معلمان آنها می‌تواند میزان این استرس را کاهش دهد و احتمال گرایش به مصرف مواد مخدر را تا حد زیادی کاهش دهد.
- ۵- در صورت نبود امکان تشکیل کلاسهای حضوری برای تمام دانش‌آموزان، برخی مباحث بسته‌های آموزشی به‌صورت جزوه‌های آموزشی در دسترس دانش‌آموزان قرار داده شود.

## منابع

- آقابخشی، ح. (۱۳۷۹)، اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده (مصون‌سازی کودکان در برابر اعتیاد)، تهران، انتشارات دانش‌آفرین.
- احمدوند، م. (۱۳۷۴)، اعتیاد (سبب‌شناسی و درمان آن)، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- اسماعیل سرخ، ج. (۱۳۸۲)، «بررسی علل گرایش جوانان و نوجوانان به اعتیاد (با تأکید بر شیوه‌های پیشگیری و مبارزه با آن)»، مجموعه مقالات ارائه شده در نخستین همایش شورای فرهنگی پیشگیری از اعتیاد، کردستان، ناشر دبیرخانه شورای فرهنگی پیشگیری از اعتیاد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان.

امیرپور، م. (۱۳۷۶)، بررسی علل گرایش به اعتیاد نوجوانان و جوانان در استان خراسان، اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر - ریاست جمهوری.

بوزانی، ا. (۱۳۷۵)، «تأثیر آموزش و مشاوره گروهی بر تغییر نگرش معتادین به مواد مخدر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده تحصیلات تکمیلی واحد خوراسگان اصفهان.

پرهیزکار، ع. (۱۳۷۹)، بررسی میزان افکار خودکشی معتادین بازداشتگاه‌های شهر سنندج در سال ۱۳۷۹، دانشکده علوم پزشکی کردستان.

پورافکاری، نصرت‌الله. (۱۳۷۳)، فرهنگ جامع - روان‌شناسی - روان‌پزشکی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.

دلاور، علی. (۱۳۷۴)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد.

رحیمی موقر، آ. (۱۳۸۰)، پیشگیری اولیه از اعتیاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رحیمی موقر، آ. ع، محمد رزاقی. م، نوری خواجویی. م، حسینی و گ، فیض‌زاده. (۱۳۷۶)، راهنمای پیشگیری و درمان اعتیاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رضایی‌زاده، م. (۱۳۷۲)، بررسی آگاهی دانش‌آموزان سال دوم دبیرستانی پسر در مناطق ۱۳ تا ۲۰ تهران درباره مواد مخدر، مجموعه مقالات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.

سموعی، راحله. (۱۳۸۱)، «تأثیر مهارت‌های زندگی بر پیشگیری از اعتیاد در نوجوانان، جوانان و والدین شهر اصفهان»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیرخانه شورای آموزش و فرهنگ پیشگیری از اعتیاد).

صارمی، س. شفاف (ماهنامه تخصصی اجتماعی - فرهنگی پیشگیری از اعتیاد)، سال اول، شماره اول، آبان ۱۳۸۰.

صرامی، ر. (۱۳۷۹)، پژوهشی در خصوص جداسازی دانش‌آموزان در معرض خطر مواد مخدر و سوء استفاده‌های جنسی، اداره کل مطالعات و پژوهش‌ها، (ستاد مبارزه با مواد مخدر - ریاست جمهوری).

قربانی، ب. (۱۳۸۰)، «تأثیر روش‌های تغییر نگرش و ابراز وجود بر گرایش به عدم مصرف مواد مخدر در معتادان داوطلب استان اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده تحصیلات تکمیلی واحد خوراسگان اصفهان.

کریمی‌مان مارنانی، م. (۱۳۷۷)، «بررسی میزان فراوانی استعمال دخانیات و سایر مواد مخدر در دانشجویان پسر دانشکده تربیت بدنی دانشگاه اصفهان و همبستگی آن با استعمال دخانیات و سایر مواد مخدر در والدین آنها»، پایان‌نامه دکترای حرفه‌ای پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

نشان، ح.ر. (۱۳۷۷)، «شناخت دانش‌آموزان از مواد مخدر»، شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان یزد.

مایکن‌بام، د. آموزش ایمن‌سازی در مقابل استرس، ترجمه س. مبینی، (۱۳۷۶)، تهران، انتشارات رشد.

BOLDING, J. (2000). *Young people and Illegal drug*. School Health education unit. online. Available. URL: <http://www.shen.htm>.

BOGENSCHNEIDER, K. (1994). *Risk factors alcohol and drug Use/Abuse prevention*. University of Wisconsin-madison/Extension, Cooperative Extension. online. Available. URL: <http://www.Cyferner.Org>.

CARROLL, K. (2000). *Relapse prevention strategie for Treatment of Cocaine Abuse*. Archives of General psychotherapy. 5Y: 989-997. Online. Available. URL: <http://www.athealth.com>.

KNAPP, JUDHITH-ELLEN AND OTHERS. (1991). *Variable associated with success in an adolescent*. Journal of adolescence, N: 26(102), P.P: 305-317.

LOPEZ, T.S. STARKEY, KATHRYN, T. (1979). *A primary prevention drug Education program for school children*. An Attempt at evaluation. Paperpersented at the annual meeting of the american education research association (Sanfrancisco) California, April 19-23, 1976.

TOSTE, VASEY, JOANNE, L, BARTON, FRANCINE. (1991). *Gain and School behaviors: A family focused Drug education program*. san francisco, CA, August 16-20.

WEST, PH, and OTHERS. (1976). *Report on a Need assessment and evolution of drug education*. Los Angeles-Valley, College, van Nuys calrf.

وصول: ۸۳/۹/۲۹

پذیرش: ۸۴/۸/۹